

چگونه غرب در اعمال تحریم های مدرن، از الهیات سوء استفاده می کند؟

ابزار مجازات لویاتان

گزارش

امیرفرشاد
گروه اتاق فکر

تحریم در متون مقدس و زبان ادیان الهی، مرادف‌های گوناگونی دارد و در بسترهای مختلف، اولین «دارد که وضع فطری بشر است».

در الهیات مسیحی مفهوم «Anathema» به معنای لعن، طرد و تکفیر را می‌ثوان به عنوان ابزار حفظ ایمان و قدرت کلیسا در نظر گرفت که تحریم- طبق الگوهایی که ذکر می‌شوند- صورت متأخر و غریبی آن در نظم اخلاقی و سیاسی مدرن است.

عهد عتیق نیز به دلیل تسلط مطلق گفتمان شرعی، مشحون از لعن‌ها، ممنوعیت‌ها، تکفیرها و انواع مجازات و وعده‌های آن است. به عنوان مثال، می‌ثوان به «سفر پیدایش» و تفرسیب‌ها «سفر توح نبی» اشاره کرد، یا به «سفر تثنیه» ارجاع داد، آنجا که بنا بر وصیت حضرت موسی (ع)، شش سبط از فرزندان یعقوب(ع)، باید قوم را برکت دهند و شش سبط دیگر نیز بر بت‌پرستان و کافران آینده قوم، لعن فرستند؛ «ملعون باد کسی که صورت مصنوع دست (بت) که نزد خدا مکروه است را بسازد و مخفی نگه دارد و تمامی قوم در جواب بگویند: آمین! ملعون باد کسی که یاد پدر و مادر خود به خفت رفتار کند... ملعون باد کسی که حد همسایه خود را تغییر دهد... ملعون باد کسی که نانپا را از راه منحرف سازد... ملعون باد کسی که رشوه بگردد تا خون بی گناهی ریخته شود و تمامی قوم بگویند: آمین!» (سفر تثنیه ۱۷/۲۴)

با این وصف، طبق چارچوب‌هایی که ذکر خواهند شد، حکم این ممنوعیت‌ها به دوران مدرن نیز سرایت خواهد کرد و تحریم، تلاوم الهیات مجازات و یکی از صورت‌های متأخر آن است که دولت‌مدرن بر دولت‌های «مخاصم» اعمال می‌کند.

اشمیت و الهیات «دوست‌دشمن»

کارل اشمیت در آثارش تصریحی به مسئله تحریم ندارد، اما با بازسازی استدلال و روش بحث‌ها، می‌توان تحریم را به عنوان یکی از اشکال «مجازات» مدرن استنتاج کرد. سنگ بنای تحلیل اشمیت، گزاره‌ای است که او در کتاب «الهیات سیاسی» مطرح می‌کند: «الهیات مفاهیم مهم نظریه دولت مدرن، مفاهیم الهیاتی عرفی شده هستند. طبق این چارچوب، مجازات، مانند خود مفهوم «حاکمیت» و بسیاری از تعابیر حقوقی و سیاسی جدید، یک مفهوم الهیاتی عرفی (سکولار) شده است. طبق این مبنا، حاکم در مقام خدای الهیاتی (Gericht) (سکولار) شده است. او در دست دارد و این داور در «واقعیت استثنایی» که به معادل



اقتدار در دولت مدرن، باید به ساختار متافیزیکی‌ای که این دولت جایگزین آن شده است - یعنی الهیات اقتصادی انجام می‌شود، باید به کمک تبلیغات، تبدیل به جنگ صلیبی و نبرد نهایی بشیرت شود! در نتیجه از منظر اشمیت، تحریم بین‌المللی، ابزار سلطه گفتمان اقتصادی است که از طریق آن، قدرت متخاصمی که این قلمرو مرکزی را هدف گرفته باشد، مجازات می‌شود.

الهیات بردگی و اخلاق تحریم

یکی از چشم‌اندازهای اصلی در نقد و بررسی تحریم، نتیجه معاصر این

مفهوم الهیاتی	مفهوم عرفی
خدا	حاکم دولت
معجزه	وضع استثنایی
نظم الهی	نظم حقوقی
داوری (لعن، طرد)	مجازات
گناه نخستین	تقصیر
گناهکار (هیوط کرده)	دشمن

تأثیرات تحریم چیست؟ چرا غرب، ایران را تحریم کرد و چرا جامعه دانشگاهی

ایران موفق به مواجهه درست با آن نشد و نتوانست ادبیات منطقی و علمی لازم را حول آن تولید کند؟ فقدان مواجهه عمیق با مسأله تحریم، پیامدها و آسیب‌های نامطلوبی در پی داشته و دارد که زوال خودگامی ملی، عظیم‌ترین آنها است. عادی‌شدن این وضع همچنین منجر به ایجاد نوعی سستی و عدم اقدام مؤثر و نهایتاً تسلیم در برابر آن می‌شود. بنابراین، تا از یک سوء ماهیت این پدیده و ریشه‌های تاریخی و بنیادهای نظری آن، مشخص نشود و از سوی دیگر تا پژوهش‌های اجتماعی جامع و دقیق‌ی پیرامون آن انجام نگیرد، به درستی نمی‌توان پیامدهای آن را استیجت و با آن مقابله کرد.

فهم پدیده‌ها و مفاهیم مدرن در حوزه علوم و مناسبات انسانی، از طرق متغوی

امکان پذیر است؛ مفاهیمی مثل آزادی، رفاه، عدلاییت، توسعه، عدالت و... را که

در الهیات مدرن، به اوج خود می‌رسد؛ به تعبیر دیگر، همان گونه که خدا هنگام مجازات، نظم کهنانی را تعلیق می‌کند تا رستگاری انسان‌ها ضمانت شود، حاکم مدرن هم قوانین موضوعه را معلق می‌کند تا نظم زمینی را نجات دهد. «تقصیر» (Schuld) نیز صرفاً نقض یک هنجار قانونی نیست، بلکه ریشه در «گاه اولین» دارد که وضع فطری بشر است.

از دیدگاه اشمیت، برای درک ساختار

تحریم در متون مقدس و زبان

ادیان الهی، مرادف‌های

گوناگونی دارد و در بسترهای مختلف،

اولین «دارد که وضع فطری بشر

است».

در الهیات مسیحی مفهوم

«Anathema» به معنای لعن، طرد

و تکفیر را می‌ثوان به عنوان ابزار

حفظ ایمان و قدرت کلیسا در

نظر گرفت که تحریم-

طبق الگوهایی که ذکر می‌شوند-

صورت متأخر و غریبی آن در نظم

اخلاقی و سیاسی مدرن است.

عهد عتیق نیز به دلیل تسلط مطلق

گفتمان شرعی، مشحون از لعن‌ها،

ممنوعیت‌ها، تکفیرها و انواع مجازات و

وعده‌های آن است. به عنوان مثال، می‌

توان به «سفر پیدایش» و تفرسیب‌ها «سفر

توح نبی» اشاره کرد، یا به «سفر تثنیه»

ارجاع داد، آنجا که بنا بر وصیت حضرت

موسی (ع)، شش سبط از فرزندان یعقوب(ع)،

باید قوم را برکت دهند و شش سبط دیگر

نیز بر بت‌پرستان و کافران آینده قوم،

لعن فرستند؛ «ملعون باد کسی که صورت

مصنوع دست (بت) که نزد خدا مکروه

است را بسازد و مخفی نگه دارد و تمامی

قوم در جواب بگویند: آمین! ملعون باد

کسی که یاد پدر و مادر خود به خفت

رفتار کند... ملعون باد کسی که حد

همسایه خود را تغییر دهد... ملعون

باد کسی که نانپا را از راه منحرف سازد...

ملعون باد کسی که رشوه بگردد تا خون

بی گناهی ریخته شود و تمامی قوم

بگویند: آمین!» (سفر تثنیه ۱۷/۲۴)

با این وصف، طبق چارچوب‌هایی

که ذکر خواهند شد، حکم این

ممنوعیت‌ها به دوران مدرن نیز

سرایت خواهد کرد و تحریم، تلاوم

الهیات مجازات و یکی از صورت‌های

متأخر آن است که دولت‌مدرن بر

دولت‌های «مخاصم» اعمال می‌کند.

اشمیت و الهیات «دوست‌دشمن»

کارل اشمیت در آثارش تصریحی به

مسئله تحریم ندارد، اما با بازسازی

استدلال و روش بحث‌ها، می‌توان

تحریم را به عنوان یکی از اشکال

«مجازات» مدرن استنتاج کرد. سنگ

بنای تحلیل اشمیت، گزاره‌ای است که

او در کتاب «الهیات سیاسی» مطرح

می‌کند: «الهیات مفاهیم مهم نظریه

دولت مدرن، مفاهیم الهیاتی عرفی

شده هستند. طبق این چارچوب،

مجازات، مانند خود مفهوم «حاکمیت»

و بسیاری از تعابیر حقوقی و

سیاسی جدید، یک مفهوم الهیاتی

عرفی (سکولار) شده است. طبق این

مبنا، حاکم در مقام خدای الهیاتی

(Gericht) (سکولار) شده است. او

در دست دارد و این داور در «واقعیت

استثنایی» که به معادل

تحریم چیست؟ چرا غرب، ایران را تحریم کرد و چرا جامعه دانشگاهی

ایران موفق به مواجهه درست با آن نشد و نتوانست ادبیات منطقی و علمی

لازم را حول آن تولید کند؟ فقدان مواجهه عمیق با مسأله تحریم، پیامدها و

آسیب‌های نامطلوبی در پی داشته و دارد که زوال خودگامی ملی، عظیم‌ترین

آنها است. عادی‌شدن این وضع همچنین منجر به ایجاد نوعی سستی و عدم

اقدام مؤثر و نهایتاً تسلیم در برابر آن می‌شود. بنابراین، تا از یک سوء ماهیت

این پدیده و ریشه‌های تاریخی و بنیادهای نظری آن، مشخص نشود و از سوی

دیگر تا پژوهش‌های اجتماعی جامع و دقیق‌ی پیرامون آن انجام نگیرد، به

درستی نمی‌توان پیامدهای آن را استیجت و با آن مقابله کرد.

فهم پدیده‌ها و مفاهیم مدرن در حوزه علوم و مناسبات انسانی، از طرق متغوی

امکان پذیر است؛ مفاهیمی مثل آزادی، رفاه، عدلاییت، توسعه، عدالت و... را که

در الهیات مدرن، به اوج خود می‌رسد؛ به تعبیر دیگر، همان گونه که خدا هنگام

مجازات، نظم کهنانی را تعلیق می‌کند تا رستگاری انسان‌ها ضمانت شود، حاکم مدرن

هم قوانین موضوعه را معلق می‌کند تا نظم زمینی را نجات دهد. «تقصیر»

(Schuld) نیز صرفاً نقض یک هنجار قانونی نیست، بلکه ریشه در «گاه اولین»

دارد که وضع فطری بشر است.

از دیدگاه اشمیت، برای درک ساختار

تحریم در متون مقدس و زبان

ادیان الهی، مرادف‌های

گوناگونی دارد و در بسترهای مختلف،

اولین «دارد که وضع فطری بشر

است».

در الهیات مسیحی مفهوم

«Anathema» به معنای لعن، طرد

و تکفیر را می‌ثوان به عنوان ابزار

حفظ ایمان و قدرت کلیسا در

نظر گرفت که تحریم-

طبق الگوهایی که ذکر می‌شوند-

صورت متأخر و غریبی آن در نظم

اخلاقی و سیاسی مدرن است.

عهد عتیق نیز به دلیل تسلط مطلق

گفتمان شرعی، مشحون از لعن‌ها،

ممنوعیت‌ها، تکفیرها و انواع مجازات و

وعده‌های آن است. به عنوان مثال، می‌

توان به «سفر پیدایش» و تفرسیب‌ها «سفر

توح نبی» اشاره کرد، یا به «سفر تثنیه»

ارجاع داد، آنجا که بنا بر وصیت حضرت

موسی (ع)، شش سبط از فرزندان یعقوب(ع)،

باید قوم را برکت دهند و شش سبط دیگر

نیز بر بت‌پرستان و کافران آینده قوم،

لعن فرستند؛ «ملعون باد کسی که صورت

مصنوع دست (بت) که نزد خدا مکروه

است را بسازد و مخفی نگه دارد و تمامی

قوم در جواب بگویند: آمین! ملعون باد

کسی که یاد پدر و مادر خود به خفت

رفتار کند... ملعون باد کسی که حد

همسایه خود را تغییر دهد... ملعون

باد کسی که نانپا را از راه منحرف سازد...

ملعون باد کسی که رشوه بگردد تا خون

بی گناهی ریخته شود و تمامی قوم

بگویند: آمین!» (سفر تثنیه ۱۷/۲۴)

با این وصف، طبق چارچوب‌هایی

که ذکر خواهند شد، حکم این

ممنوعیت‌ها به دوران مدرن نیز

سرایت خواهد کرد و تحریم، تلاوم

الهیات مجازات و یکی از صورت‌های

متأخر آن است که دولت‌مدرن بر

دولت‌های «مخاصم» اعمال می‌کند.

اشمیت و الهیات «دوست‌دشمن»

کارل اشمیت در آثارش تصریحی به

مسئله تحریم ندارد، اما با بازسازی

استدلال و روش بحث‌ها، می‌توان

تحریم را به عنوان یکی از اشکال

«مجازات» مدرن استنتاج کرد. سنگ

بنای تحلیل اشمیت، گزاره‌ای است که

او در کتاب «الهیات سیاسی» مطرح

می‌کند: «الهیات مفاهیم مهم نظریه

دولت مدرن، مفاهیم الهیاتی عرفی

شده هستند. طبق این چارچوب،

مجازات، مانند خود مفهوم «حاکمیت»

و بسیاری از تعابیر حقوقی و

سیاسی جدید، یک مفهوم الهیاتی

عرفی (سکولار) شده است. طبق این

مبنا، حاکم در مقام خدای الهیاتی

(Gericht) (سکولار) شده است. او

در دست دارد و این داور در «واقعیت

استثنایی» که به معادل

تحریم چیست؟ چرا غرب، ایران را تحریم کرد و چرا جامعه دانشگاهی

ایران موفق به مواجهه درست با آن نشد و نتوانست ادبیات منطقی و علمی

لازم را حول آن تولید کند؟ فقدان مواجهه عمیق با مسأله تحریم، پیامدها و

آسیب‌های نامطلوبی در پی داشته و دارد که زوال خودگامی ملی، عظیم‌ترین

آنها است. عادی‌شدن این وضع همچنین منجر به ایجاد نوعی سستی و عدم

اقدام مؤثر و نهایتاً تسلیم در برابر آن می‌شود. بنابراین، تا از یک سوء ماهیت

این پدیده و ریشه‌های تاریخی و بنیادهای نظری آن، مشخص نشود و از سوی

دیگر تا پژوهش‌های اجتماعی جامع و دقیق‌ی پیرامون آن انجام نگیرد، به

درستی نمی‌توان پیامدهای آن را استیجت و با آن مقابله کرد.

فهم پدیده‌ها و مفاهیم مدرن در حوزه علوم و مناسبات انسانی، از طرق متغوی

امکان پذیر است؛ مفاهیمی مثل آزادی، رفاه، عدلاییت، توسعه، عدالت و... را که

در الهیات مدرن، به اوج خود می‌رسد؛ به تعبیر دیگر، همان گونه که خدا هنگام

مجازات، نظم کهنانی را تعلیق می‌کند تا رستگاری انسان‌ها ضمانت شود، حاکم مدرن

هم قوانین موضوعه را معلق می‌کند تا نظم زمینی را نجات دهد. «تقصیر»

(Schuld) نیز صرفاً نقض یک هنجار قانونی نیست، بلکه ریشه در «گاه اولین»

دارد که وضع فطری بشر است.

از دیدگاه اشمیت، برای درک ساختار

تحریم در متون مقدس و زبان

ادیان الهی، مرادف‌های

گوناگونی دارد و در بسترهای مختلف،

اولین «دارد که وضع فطری بشر

است».

در الهیات مسیحی مفهوم

«Anathema» به معنای لعن، طرد

و تکفیر را می‌ثوان به عنوان ابزار

حفظ ایمان و قدرت کلیسا در

نظر گرفت که تحریم-

طبق الگوهایی که ذکر می‌شوند-

صورت متأخر و غریبی آن در نظم

اخلاقی و سیاسی مدرن است.

عهد عتیق نیز به دلیل تسلط مطلق

گفتمان شرعی، مشحون از لعن‌ها،

ممنوعیت‌ها، تکفیرها و انواع مجازات و

وعده‌های آن است. به عنوان مثال، می‌

توان به «سفر پیدایش» و تفرسیب‌ها «سفر

توح نبی» اشاره کرد، یا به «سفر تثنیه»

ارجاع داد، آنجا که بنا بر وصیت حضرت

موسی (ع)، شش سبط از فرزندان یعقوب(ع)،

باید قوم را برکت دهند و شش سبط دیگر

نیز بر بت‌پرستان و کافران آینده قوم،

لعن فرستند؛ «ملعون باد کسی که صورت

مصنوع دست (بت) که نزد خدا مکروه

است را بسازد و مخفی نگه دارد و تمامی

قوم در جواب بگویند: آمین! ملعون باد

کسی که یاد پدر و مادر خود به خفت

رفتار کند... ملعون باد کسی که حد

همسایه خود را تغییر دهد